

## برنامه درسی و هویت پست مدرن

### مجتبی دهدار<sup>۱</sup> و ارش دهدار<sup>۲</sup>

۱ دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک و مدرس دانشگاه.

۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کسب و کار گرایش بازاریابی دانشگاه پیام نور واحد خوانسار.

#### چکیده

برنامه درسی قلب نظام تعلیم و تربیت و ابزاری در جهت تحقق اهداف تعلیم و تربیت است. برنامه درسی به عنوان یکی از حوزه های بحث بر انگیز در سال ۱۹۱۸ به وسیله فرانکلین بوبیت با انتشار کتابی تحت عنوان برنامه درسی هویت یافت. این حوزه تخصصی نسبتاً جوان از دهه های آغازین بیستم تا کنون در مسیر رشد و توسعه ای شتابان قرار گرفته است. رویکردها معاصر چالشهای جدیدی را جهت فهم آفرینی و توسعه بسترهای فهم برنامه درسی ایجاد کرده اند. با عث بوجود آمدن هویت های جدیدی در برنامه درسی شده اند که هر کدام مبحثی نوین در برنامه درسی را باعث شده اند که این محورها عبارتند از هویت سیاسی / انتقادی ، هویت فمینیستی ، هویت اتوبیوگرافیکال ، هویت زیبایی شناختی/ هنری ، هویت بین المللی ، هویت پدیدارشناختی ، هویت پست مدرن / پساساختارگرایی.

مقاله حاضر به بیان هویت پست مدرن برنامه درسی می پردازد تا زمینه ای جهت تامل و اندیشه ورزی در مواجهه با هویت های نوین برنامه درسی فراهم آورد.

**واژگان کلیدی:** رویکردهای برنامه درسی ، هویت های جدید ، هویت پست مدرن برنامه درسی.

**مقدمه :**

صاحب نظران و اندیشمندان تعلیم و تربیت، برنامه درسی را مهمترین عنصر تشکیل دهنده نظام تعلیم و تربیت می دانند این حوزه یکی از جوانترین حوزه های معرفت بشری محسوب می شود که در عرصه ها و قلمروهای مختلف آن چنان پرشتاب در حال فهم آفرینی و تحول است که تعیین مرزها و حدود و ثغور برای آن امری دشوار و حتی غیر ممکن است. ( فتحی و اجارگاه - ۱۳۸۴) مطالعات برنامه درسی به عنوان زایده ای از یک حوزه علمی موجود، مثلا به عنوان یک زیر حوزه از روان شناسی یا فلسفه آغاز نگردید بلکه مطالعات این حوزه به منظور سهولت در امور اجرایی یا احساس مسیولیت حرفه ای نسبت به مسایل مربوط به برنامه های درسی ایجاد شد. از این رو برنامه ریزان درسی از متنوع ترین پیشینه علمی برخوردار بودند. آنچه بین آنها مشترک بود، علاقه و مسیولیت نسبت به برنامه درسی بود این مساله سبب چندین تفکر اساسی ترین آنها عبارت است از رویکرد سنتی، تجربه گرایی مفهومی و نومفهوم گرایی مجال حضور یافتند ( جیرو، پینا و پاینار - ۱۹۸۱).

**رویکرد سنتی :**

این رویکرد برنامه درسی را به عنوان یک سند مکتوب و به مثابه یک جریان فنی یا تکنولوژیک می داند که سعی دارد تمام اجزا و مراحل تدریس را به صورت مجموعه تصمیمیاتی از پیش تعیین شده به مورد اجرا گذارد ( فتحی و اجارگاه - ۱۳۸۰) ( مهرمحمدی - ۱۳۸۱) رویکرد سنتی به منظور فراهم آوردن امکاناتی جهت سهولت در اجرا شدیداً تحت سیطره افکار مدیریتی بوده و به جای آنکه به درک و فهم بهتر عناصر پیچیده در تعلیم و تربیت و تلاش در جهت به حداکثر رساندن اثر بخشی آن پردازد به افزایش حوزه های نظارت و کنترل بر یادگیرنده و جریان تعلیم و تربیت اقدام کرده است و فراگیران را به مثابه ماده خامی می داند که باید به محصولات نهایی که انتظارات گوناگون زندگی را برآورده می کنند تبدیل گردند.

تدآیوکی ( ۱۹۸۸) برنامه درسی به عنوان طرح را دنیای مدیران آموزشی و طراحان برنامه درسی می داند که خاستگاهش بیرون کلاس درس است و معلم تنها کارمند و نصاب برنامه درسی است این امر مستلزم کنار گذاشتن فردیت و عدم حضور زنده و با نشاط افراد در فرایند برنامه درسی است.

**رویکرد تجربه گرایی مفهومی :**

این دوران از دهه ۱۹۵۰ به بعد که الگوهای برنامه درسی توسط اندیشمندان رشته های علمی دانشگاهی گوناگون در امریکا مورد انتقاد گرفت آغاز شد. این دانشمندان و ریاضی دانان را تجربه گرایان مفهومی نامیدند که با مکتب سنت گرای برنامه درسی ارتباطی نداشتند. تلاش آنها بر این بود تا از طریق آموزش در خصوص ساختار یک رشته علمی و فرایند اثبات اعتبار و موقت در آن، یعنی روش تحقیق، الهام بخش جریان اصلاح برنامه های درسی باشند. تجربه گرایان مفهومی از بسیاری از رشته های علمی به عنوان سیاست گذار و عامل تغییر و نوآوری جایگزین سنت گرایان شدند.

**رویکرد نومفهوم گرایی :**

رویکرد نومفهوم گرایی چالش و انتقادی جدید را متوجه فرضیه های بنیادین حالیتهای موجود نظریه پردازی در برنامه درسی نمود. نظریه پردازی چون مک دونالد، هیوبنر، گرین، پینار، اپل نقش مهمی در نوسازی مفهومی، موضوعها و روشهای تحقیقات آموزشی ایفا کردند. ( جیرو، پینا و پاینار - ۱۹۸۱). این رویکرد با نظریه پردازی با ماهیت اثبات گرایانه و محافظه گرانه که در حوزه نظر و عمل برنامه درسی رواج دارد مخالف است و فاعل انسانی را به عنوان مهمترین عنصر، کانون توجه خود قرار داده به بررسی تجربه درونی انسان علاقه مند است. هویت های نوین برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته شده عبارتند از هویت سیاسی / انتقادی، هویت فمینیستی، هویت اتوبیو گرافیکال، هویت زیبایی شناختی / هنری، هویت بین المللی، هویت پدیدارشناختی، هویت پست مدرن / پساساختارگرایی. مقاله حاضر به بیان هویت بین المللی برنامه درسی می پردازد.

**تاریخچه:**

اصطلاح پست مدرنیسم اولین بار در سال ۱۹۳۹ توسط آرنولد توین بی به کار رفت؛ این اصطلاح بعداً در دهه ۱۹۶۰ در نیویورک توسط هنرمندان و منتقدان به کار گرفته شد، سپس نظریه پردازان اروپایی بودند که در دهه ۱۹۷۰ واژه مزبور را به کار بردند. ژان فرانسو لیوتارد یکی از نظریه پردازان اروپایی در اثر مشهور خود تحت عنوان *the post modern condition* به اسطوره های قانونمند شده و کلیت یافته عصر مدرن، مانند ایده روایت بزرگ حمله کرد. وی هم چنین، علم و فلسفه را در تضمین آزادی های انسانی ناکافی دانست، همچنان که معتقد بود چنین علم و فلسفه ای در ایجاد وحدت رویه در یادگیری و ارائه اصول علمی معتبر، کلی و جهانی، نارسا است. نکاتی که لیوتارد به آن اشاره کرد، برخی از مؤلفه ها و ویژگی های پست مدرنیسم است. اصولاً نظریه پست مدرن با انتقاد نسبت به علم کل نگر و با رد بنیادگرایی جهان شمول، هم آغوش است. واژه پست مدرن در دهه های اخیر به طور فزاینده به مفهوم فراگیر خود، به پایان دوران شکوفایی مدرنیسم و افول این دوران پس از اوج ظهور مدرنیسم در قرن بیستم اشاره دارد. این واژه هم چنین، به جنبش روشنفکری دوران معاصر نظر دارد. با وجود این، واژه مزبور از طرفی در فرهنگ معاصر غربی، نوعی تردید و سردرگمی مفهومی را در اغلب نوشته ها و برداشت های فلسفی مشکل و از جانب دیگر، اندیشه های ساده انگارانه القا می کند. بدین ترتیب، تلاش برای ارائه یک تعریف روشن از واژه فوق، چه بسا بی اثر و بی ثمر به نظر آید.

**تعریف پست مدرنیسم:**

باورود جهان به هزاره سوم آموزش و پرورش وارد دوران و عرصه جدیدی شد. اگرچه در خصوص اینکه به این دوران باید چه نامی نهاده شود اتفاق نظر وجود ندارد اما تقریباً همگان با این نظر موافقت که تعلیم و تربیت همانند جهان به میزان فزاینده ای تغییر یافته و یا در حال تغییر است اما در عین حال نوعی جنبش و تکاپوی جدیدی ایجاد شده است. برخی آن را پست مدرن و یا شرایط پست مدرن می نامند. (فتحی و اجارگاه-۱۳۹۲)

**ویژگی های پست مدرنیسم**

- درباره ویژگی های پست مدرنیسم اتفاق نظری وجود ندارد. برخی ویژگی های زیر را برای پست مدرن برشمرده اند:
- ۱- نفی دولت: پست مدرنیسم دولت را به عنوان نمادی از هویت ملی قبول ندارد.
  - ۲- نسبیت اخلاق: این مکتب برنسبی بودن اخلاق تأکید می ورزد.
  - ۳- مخالفت با رشد اقتصاد: رشد اقتصاد را باعث ویرانی محیط زیست می داند و با آن- در صورتی که موجبات ویرانی محیط زیست را بار آورد- مخالف است.
  - ۴- مخالفت با فرهنگ های مسلط: پست مدرنیسم حل شدن خرده فرهنگ ها را در فرهنگ مسلط قابل قبول نمی داند.
  - ۵- رد نژاد پرستی
  - ۶- مخالفت با نظارت بروکراتیک بر تولید
  - ۷- رد عقلگرایی و روشنگری
  - ۸- اعتقاد به پایان یافتن مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری
  - ۹- اعتقاد به گوناگونی سرنوشت: به جای همسانی در سرشت و سرنوشت بشر به تفاوت و گوناگونی تکیه می ورزد.
  - ۱۰- ضدیت با اندیشه های روشنگری: از قبیل ساخت گرایی، عقل گرایی، روایت های بزرگ از تاریخ و تصویر های بزرگ از زندگی اجتماعی
  - ۱۱- متغیر بودن هدف های سیاسی
  - ۱۲- ضدیت با هرگونه پارادایم معرفتی
  - ۱۳- ترکیب عامدانه سبک ها و قراردادهای و سنت های پیشین
  - ۱۴- دفاع از پراکندگی و فقدان انسجام

۱۵- عدم تفسیر قاطع از جهان : به باور پست مدرن ها هیچ باور قطعی از جهان نمی توان به دست داد و هیچ مرز مشخصی برای تفسیر جهان وجود ندارد.

بعضی از نویسندگان خصوصیات پست مدرنیسم را این گونه ذکر کرده اند:

- ۱- در روانشناسی منکر فاعل عاقل و منطقی
- ۲- نفی دولت به عنوان سمبل هویت ملی
- ۳- نفی ساختارهای حزب و اعمال سیاسی آنها؛ به عنوان کانالهای یگانگی و تصورات جمعی
- ۴- ترفیع و ترویج نسبی بودن اخلاقیات
- ۵- مخالفت با قدرت یا بی اساسی دولت متمرکز
- ۶- مخالفت با رشد اقتصادی به بهای ویرانی محیط زیست
- ۷- مخالفت با حل شدن خرده فرهنگها در فرهنگی مسلط
- ۸- مخالفت با نژاد پرستی
- ۹- مخالفت با نظارت بوروکراتیک بر تولید
- ۱۰- زیر سؤال بردن همه برداشتهای اساسی مورد قبول اجتماع
- ۱۱- شک نسبت به عقل انسان و رد عقلگرایی و طغیان همه جانبه علیه روشنگری
- ۱۲- مخالف برنامه ریزی سنجیده و متمرکز با تکیه بر متخصصان
- ۱۳- به رسمیت شناختن نسبیت گرایی
- ۱۴- اعتقاد به پایان یافتن مبارزه طبقه کارگر و مستحیل شدن آن در دل نظام سرمایه داری
- ۱۵- اعلام ورود به یک دوره جدید فراتاریخی

حسین بشریه در مقاله خود در مجله نقد و نظر (ش ۱۰ - ۱۱، ص ۳۵۹) راجع به ویژگی های پست مدرنیسم چنین می نویسد:

" مواضع اصلی تفکر و جهان بینی پسامدرنیسم عبارت است از: نفی مواضع استعلایی در اندیشه، نفی نظریه بازتاب در معرفت شناسی، نفی تمایزهای به ظاهر بنیادی در اندیشه انسان، نفی او صاف ذاتی انسان به شیوه عقل گرایی دکارتی، نفی هرگونه قطعیت و به طور کلی انکار امکان دستیابی به هرگونه حقیقت، منکر امکان نمایش واقعیت، منکر قطعیت های اخلاقی، تکثر گرایی و عدم امکان دستیابی به تصویری از جهان واقع با معیارهای معتبر."

همچنان وی به نقل از "مایکل پل گالاگهر"، عضو شورای پاپ در امور فرهنگی، خصایص پسامدرنیسم را چنین بیان می کند:

- ۱- بی اعتمادی عمیق نسبت به عظمت و حرمت نفس انسان؛
- ۲- نشستن گرایش غیر عقلانی نوین به جای عقل گرایی مفرط تجدد که در آن انسان اندیشه ورز تبدیل به انسان احساس محور می شود.
- ۳- رها کردن مفهوم آزادی تجدد در بینش اجتماعی و سیاسی و جایگزین کردن آن با آزادی خودستایانه (ناشی از) روابط گسیخته.
- ۴- به همین شیوه، از دست رفتن هرگونه اهمیتی به ساختن آینده تاریخ و نشستن جهانی (آکنده) از تصاویر پریشان و ارتباطات آنی و لحظه ای به جای آن.
- ۵- این که اگر تجدد منبع اشکال چندگانه الحاد بود، صبغه غالب پسا تجدد آمیزه ای است متناقض نما از بی تفاوتی دینی و تجربه شبه دینی.

دکتر حاتم قادری ویژگی های پست مدرنیسم را از قول جنکز این گونه برمی شمارد:

"سبک ناآگاهانه/ ابهام سبک، واقع گرایانه/مردم پسند وکثرت گرا، متناسب بدون انسجام/ شکل نشانه ای، سرمایه داری متأخر/ سنت هاوگزینش، هنرمند سرکوب شده/ هنرمند-مشتری، حرفه ای، نخبه گرا/ نخبه گرا و مشارکتی، کلیت گرا/ اندک اندک و سرانجام معمار مهیا کننده خدمات در تقابل با معمار به عنوان نماینده و عضو فعال."

همچنان وی از قول کنت تامپسون مهم ترین ویژگی های پست مدرنیسم را این چنین جمع بندی می کند:

۱- تأکید بر سبک های افرادی (در معماری).

۲- مخالفت با وحدت و همگرایی و تأکید بر انشعاب، چندگانگی و عدم تداوم.

۳- نقد فراروایت ها، فرازبان ها، فراتیوری ها.

۴- رد امپریالیسم روشنگرانه و اولویت های سیاسی با قرائت های خاص لیبرالیستی یا مارکسیستی، تأکید بر چندگانگی، اداره محلی و محور قراردادن اقلیت ها همچون سیاهان، زنان و گروه های مذهبی

۵- ساخت شکنی زبان .

### اصول پست مدرنیسم:

پست مدرنیسم ترمیم مدرنیسم است نه نفی آن پست مدرنها خواهان ارائه نظم نوینی به ساختار معرفتی بشر هستند این نظم نوین لزوماً عقلانی نیست چون پست مدرنها از افقهای جدید عقلانی طرفداری می کنند. در گرایشهای پست مدرن زبان اهمیت کانونی دارد چون به قول هایدگر زبان خانه وجود است و راهی است که از آن می توان به فرهنگ و تمدن رسید.

در مدرنیسم علوم طبیعی بخصوص فیزیک و ریاضی محور هستند اما در پست مدرنیسم علوم انسانی جای علوم طبیعی را می گیرند بدون اینکه بخواهد آن را حذف کند. به عبارت دیگر پست مدرنیسم تلاشی برای خروج از انحصار افق تک رنگ است.

انکار حقیقت ثابت و عینی: در یک جامعه پست مدرن هیچ اصل عینی و لایتغیری وجود ندارد و هیچ معیاری، کلی و ثابت نیست. اصل چنین جامعه ای در بی اصلی است. در چنین جامعه ای تنوع و تکثر حاکم است.

ترویج تفکر انتقادی: پست مدرنیسم بر حسب دیدگاه انتقاد آمیزش نسبت به سرشت انسانی، تاریخ و الهیات و متافیزیک، قابل تبیین و تشخیص است. برخی از هواداران پست مدرنیسم بر این باورند که جنبه صریحا انتقادی پست مدرنیسم عنصر کلیدی این فلسفه به شمار می رود. در واقع فلسفه پست مدرنیسم ارزش عمده ای را برای تفکر انتقادی در نظر می گیرد.

نفی هرگونه فکر، عقیده جهانی: در وضعیت پست مدرن دیگر نمی توان از یک عقیده و عقلانیت کلیت یافته و جهان شمول سخن گفت زیرا عقل کلی و جهانی هرگز وجود خارجی ندارد. آنچه در اندیشه پست مدرن مطرح است این است که باید از عقل ها و بینش ها و اندیشه های متکثر سخن به میان آورد.

پست مدرنیسم ایده تک روشی مدرنیسم را رد می کند به عبارت دیگر در مدرنیته بحث بر سر یک روش جامع است و مدرنیسم با بحث متد شکل می گیرد ولی پست مدرنها به تکثر روش قائلند.

بحران و تردید: این دو، جزء محرکهای اصلی تفکر پست مدرن است. وضعیت پست مدرن وضعیت تردید است و تردید با شک تفاوت دارد. تردید به معنای تعلیق است. بحرانی که مدرنیته ایجاد کرده این است که جهان بینی علمی را به جای جهان بینی قرون وسطایی نشانده و کسی نمی تواند خارج از این چارچوب فکر کند.

### حوزه های کاربرد اصطلاح پست مدرنیسم:

۱- موسیقی (استاک هازن، هالی وی، لوری آندرسن و تردیسی).

۲- هنر (ماخ، راوشن برگ و باسیلنن).

۳- رمان (بارث، بالارد و داکترو).

۴- فیلم و سینما.

۵- عکاسی (شرمان، لوین، پرنیس).

۶ - معماری (خبگز، بولین).

۷ - ادبیات (اسپانوس، حسن، فیلور).

۸ - فلسفه (لیوتار، دریدا، بادریلارد و ریچارد رورتی).

۹ - انسان شناسی (کلیفورد، مارکوزه و تایلر).

۱۰ - جامعه شناسی (دنزین).

۱۱ - جغرافی .

### نظریه پردازان پست مدرنیسم:

#### ۱- لیوتار:

زندگی لیوتار:

لیوتار از تأثیرگذارترین اندیشمندان پست مدرنیسم محسوب می گردد. وی در سال ۱۹۲۴ م در شهر ورسای فرانسه متولد گردید و در پاریس درس خواند و فلسفه و ادبیات را در دانشگاه سوربن به اتمام رسانید. بعد از فراغت در الجزایر مشغول تدریس فلسفه شد. او دکترای ادبیات خود را در یافت نمود و سپس در جریان جنگ های آزادیبخش به عنوان داوطلب کمک های اولیه کار کرد. او با نوشتن کتاب "وضعیت پست مدرنیسم: گزارشی در باره دانش" (۱۹۷۹ م) شهرت زیادی یافت. به عقیده بسیاری از صاحب نظران این کتاب آغاز گر جنبش پست مدرنیسم می باشد.

اندیشه های لیوتار:

۱- بی باوری به فراروایت: یکی از اندیشه های مهم لیوتار از میان رفتن فراروایت هاست. لیوتار پست مدرن را با همین ایده تعریف می کند . او معتقد است که زمان باور به فراروایت از میان رفته است. ماهیت و موقعیت دانش تغییر یافته است. ما در عصری زندگی می کنیم که فناوری اطلاعات، برجهان حکومت می کند. این فناوری بسیاری از ارزش های عقلگرایانه را از بین می برد. چرا که فراروایت ها برای توجیه ارزش های عقلانی به وجود آمده بود و دیگر کاربرد خود را از دست داده است. به عقیده لیوتار این توجیهات دیگر با منطق جدید سرساز گاری ندارد. چه این که در منطق جدید تنوع سبک های زندگی اجتماعی انسان هرگونه فراروایت را در هم می شکنند و بی باور می سازد.

۲- به پایان رسیدن عصر ساخت تیوری یا تیوری کلان در باب سیاست و جامعه

۳- عدم دسترسی به یک تیوری مطلق گرای اخلاقی وارزشی

۴- شکاکیت اخلاقی نهایتا به یک جهان اعتباری و اعتبارگرای ختم خواهد شد

۵- خصوصی و شخصی کردن معنا

#### ۲- ژان بودریا:

به نظر بودریا فرهنگ معاصر فرهنگ نشانه هاست. ما در جهانی زندگی می کنیم که همه چیز آن را نشانه ها تشکیل می دهند. اطراف مان را نشانه ها گرفته اند. زندگی ما به وسیله دلالت هابه پیش می رود. این دلالت ها واقعیت عینی ندارند بلکه خود برداشتی است که ما از واقعیت ها داریم. نشانه ها فقط واقعیت ها را توضیح می دهند.

#### ۳- ریچارد روتی:

روتی اندیشه فرهنگ فرافلسفی را مطرح می کند و باورمند است که برای نجات از پرسش های فلسفی باید به فرهنگ فرافلسفی ایمان آورد. پست مدرنیسمی که روتی به آن باور دارد پست مدرنیسم کلیت نگر، ساخت ایدیولوژیک و وضعیت تعین یافته است. درحقیقت گفته های روتی چیزی است مخالف برداشت های معماران پست مدرنیست.

- ۴- **دانیل بل:** وی معتقد است که قدرت دانش و فرهنگ در جامعه معاصر به صورت فزاینده ای در حال رشد می باشد.
- ۵- **فردریک جیمسون:** وی پست مدرنیسم را به منزلهٔ منطق فرهنگی سرمایه داری متأخر تعریف می کند.
- ۶- **اسکات لش:** اندیشه اصلی اسکات لش را تفاوت زدایی تشکیل می دهد.
- ۷- **فوکو:** او برخلاف این عقیده است که حقایق اخلاقی وجود دارد که انسان باید آن ها را کشف کند. وی می گوید: "حقیقت هرآن چیزی است که در خدمت قدرت است. و حقیقت را در واقع قدرت می سازد.

#### **پست مدرن و برنامه درسی :**

شناخت و بررسی پارادایم های پست مدرن این فرصت را برای متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه درسی فراهم می کند تا به بینش های جدیدی دست یابند که در سایه آنها بتوان تراژدی های تاریخ معاصر که در دوران مدرنیته اصلاح نشده اند مشخص گردند . مواردی چون قتل عام های وحشیانه ، بردگی ، تخریب محیط زیست ، نژادپرستی ، اپارتاید ، تخریب اتمی ، سلاح های کشتار جمعی ، شکنجه ، تفتیش عقاید مذهبی و سیاسی ، نابرابری های اقتصادی ازان جمله اند که در دوران مدرن لاینحل باقی مانده اند. و بینش و نگرش پست مدرن در حوزه مطالعه برنامه درسی و فعالیت های کلاس درس می تواند موجب ایجاد تغییرات مثبت و موثری گردد.

#### **منابع و مآخذ :**

- فتحی واجارگاه ، کورش ( ۱۳۸۴ ) کالبد شکافی برنامه درسی تجربه شده ( مدلی برای پژوهش در برنامه درسی ) برگرفته از کتاب قلمرو برنامه درسی در ایران ، انتشارات سمت .
- جیرو ، پینا و پاینار ( ۱۳۸۱ ) نگاه کلی به قلمرو برنامه درسی ، ترجمه دکتر مصطفی شریف ، برگرفته از کتاب نظرگاهها ، رویکردها ، چشم اندازها ، انتشارات استان قدس رضوی ، مشهد.
- فتحی واجارگاه ، کورش ( ۱۳۸۰ ) اصول برنامه ریزی درسی ، انتشارات ایران زمین ، تهران.
- فتحی واجارگاه ، کورش ( ۱۳۸۱ ) مباحث تخصص برنامه ریزی درسی ، انتشارات ایپژ ، تهران.
- مهرمحمدی ، محمود ( ۱۳۸۱ ) نظرگاهها ، رویکردها ، چشم اندازها ، انتشارات استان قدس رضوی ، مشهد.
- فتحی واجارگاه ، کورش ( ۱۳۹۲ ) برنامه درسی به سوی هویت های جدید شرحی بر نظریات معاصر برنامه درسی ، انتشارات ایپژ ، تهران.
- حسین بشیریه و دیگران ( ۱۳۷۵ ) سنت ، مدرنیته و پست مدرن ، انتشارات صراط، تهران.
- پست مدرنیته و پست مدرنیسم تعاریف نظریه ها و کاربردها ترجمه و تدوین حسین علی نوذری، (۱۳۹۷)، انتشارات نقش جهان ، تهران.

## Postmodern curriculum and identity

**Mojtaba dehdar**

Ph.D. Student of Educational Sciences, Curriculum Planning, Islamic Azad University of Arak Branch and lecturer.

**Arash dehdar**

Graduate Student, Business Management, Marketing Orientation, Payam Noor University, Khansar Unit.

### Abstract:

The curriculum is the heart of the education system and is a tool for achieving the goals of education. Curriculum was identified as one of the controversial areas in 1918 by Franklin Bubit by publishing a book entitled Curriculum. This relatively young specialist field has been on the verge of rapid growth since the decades of the twentieth century. Contemporary approaches have created new challenges for understanding and developing the curriculum framework. And they have created new identities in the curriculum, each of which has paved the way for a new curriculum that includes political / critical identities, Feminist identity, Autobiographical identity, Aesthetic identity / Artistic identity, International identity, Phenomenological identity, Postmodern identity / Post-structuralism.

The present article addresses the postmodern identity of the curriculum, providing a ground for reflection and thought in the face of modern curriculum identities.

**Keywords:** Curriculum Approaches, New Identities, Postmodern Curriculum Identity.